

**محمد رضا (فریبرز) همزه‌ای** فرزند ارشد نصرت همزه‌ای و توران شهریاری است.

شادروان نصرت همزه‌ای فرزند خرامان قاضی هرسینی و نقیخان هرسینی، نوه‌ی نقیخان هرسینی (وکیل الرعایا) عموزاده‌ی مرادخان و نوه‌ی ابراهیم (اورام) خان<sup>۱</sup> هرسینی بود که از آغاز دوره‌ی قاجار تا آغاز دوره‌ی پهلوی، به ترتیب زمام حکومت هرسین را در دست داشت. پدران ابراهیم (اورام) خان هرسینی از سران ایل هماوند یا همهون بودند که به پشتیبانی از ایل زند به شیراز رفتند و پس از سرنگونی آن خاندان، و تعقیب وابستگان کریم خان به دست آغا محمد خان قاجار به سرزمین نیاکانی خود باز گشتد.

توران شهریاری از خانواده‌های قدیمی شهر کرمانشاه است که از یک سو، ریشه در میان خاندان سهرابی و آجیل‌چی کرمانشاه دارد و از سوی دیگر در میان خاندان اعظمی کلهر. خواهر او ایران شهریاری یکی از نخستین آموزگاران زن هرسین بود که از کرمانشاه به آجا انتقال یافته و سبب ازدواج همشیره‌ی جوان‌تر خود با یکی از همکاران فرهنگی‌اش، یعنی نصرت همزه‌ای گردید و در آن شهر، فرزند نخست خود فریبرز را به دنیا آورد.

---

<sup>۱</sup> Örām



تصویر کودکی گرفته شده از سوی عکاسی ایران کرمانشاه

فریبهرز تا سن هفت سالگی خود را در هرسین و در میان خاندان خود سپری کرد و در آنجا به مدرسه رفت. پس از انتقال پدرش، این خانواده به کرمانشاه آمدند و در محله فیض آباد سکونت کردند. در کرمانشاه او نخست به دبستان سعادت رفت که در همان کوچه و رویروی ساختمان سینما باربد قرار داشت.



با پار و یاور دوران کودکی و نوجوانی اش، مرتضی نجفی

تا کلاس ششم را هم در دبستان بدر، در کوچه‌ی پشت تاریکه بازار و دبستان محمدیه، در پشت علافخانه بود و دوره‌ی نخست متوسطه را نیز دبیرستان‌های حکیم نظامی و کورش کبیر و کزازی انجام داد.



با دوستانش مرتضی نجفی و غلامرضا ملکیان در تاق بستان

آنگاه به تهران رفت و در حالیکه روز به کار به عنوان حسابدار سرگرم بود، دوره‌ی دوم متوسطه را در دبیرستان شبانه انجام داده و در سال ۱۳۵۰ دپلم خود را از دبیرستان دکتر نصیری در خیابان باباییان آن زمان در یافت کرد.

پس از دریافت دپلم به خدمت سربازی رفت که دوره‌ی آموزشی آن در کرمان انجام گرفت و پس از آن به تیپ نیروهای ویژه‌ی هوابرد انتقال یافته و دوران سربازی را در باخ شاه تهران سپری کرد. در این دوران که او به عنوان منشی گروهان همه‌ی امور دفتری را به تنها‌ی انجام

می داد، به عنوان سرباز نمونه‌ی تیپ برگزیده شد. به همین دلیل به او اجازه داده شد تا غروب-ها از پادگان بیرون رفته و بتواند در کلاس‌های زبان انگلیسی ایران و آمریکا شرکت کند. در دوران سربازی او دیپلم زبان انگلیسی را از انجمن ایران و آمریکا دریافت کرد. به دلیل آشنایی به زبان انگلیسی او توانست پس از پایان خدمت سربازی در شرکت جنرال موتورز ایران در جاده‌ی کرج به کار پردازد. در سال ۱۳۵۴ از شرکت جنرال موتورز ایران کناره گرفته و برای تحصیل به هند رفت؛ تا شاید بتواند به تحصیل سینما پردازد.

فریبیز از دوران کودکی گرایش سیاری به هنر و ادبیات داشت. تا زمانی که به کلاس نهم دبیرستان برسد، هیچ علاقه و یا توانایی ویژه‌ای برای درس خواندن و آموزس مدرسه‌ای نداشت و خودش هم هنوز نمی‌داند که چرا به مدرسه می‌رفت. در تنها درسی که علاقه و کمی هم توانایی داشت، درس اشاء بود. او تنها مورد توجه دبیران ادبیات بود که برایش کتاب می-آوردن. یکی از دبیران او در دبیرستان کورش کبیر به نام آقای ایزدی به همسر خود سفارس کرده بود تا او بتواند از کتابخانه‌ی شخصی استاد در منزل استفاده کند. حتا ورزش را هم بیشتر از درس خواندن دوست داشت. به همراه پار و دوست دوران کودکی و نوجوانی اش مرتضی نجفی، یک باشگاه را در زیرزمین خانه‌ای در محله‌ی سرتپه، پس از گذر صاحب جمع به راه انداخت و با کتاب و به پاری دوست دیگری که کشته‌گیر بود، خودش را آموزش داده و مدتی به عنوان مری، بچه‌های دیگر را آموزش می‌داد. پس از آن نیز در دبیرستان کورش کبیر، دو سال کاپیتان تیم سکتبال دبیرستان بود.



تیم بسکتبال دبیرستان کورش کبیر کرمانشاه

او که مانند دیگر نوجوانان محله‌ای قدیمی کرمانشاه در آن زمان درگیر زد و خوردگاهی کوچه‌ای و محله‌ای می‌شد، ولی پنهان از دیگر بچه‌های محله، درگوشهاي در خانه‌شان با ادبیات ایران و جهان آشنا شد. هنوز در آغاز دوران نوجوانی بود که با اندیشه‌های فلسفی نویسنده‌گان بزرگی مانند ژان پل ساتر و فرانس کافکا کلنجر می‌رفت و شب‌ها را تا بامداد بیدار می‌ماند. برای او هنر و ادبیات از همان دوران کودکی، پناهگاهی بود که به او در آن دنیای خشن بیرون از خانه آرامش می‌داد. برای همین هم، سیار زود نوشتن شعر و داستان کوتاه را در همان سرتپه آغاز نمود. در دبیرستان کزازی او تنها روزنامه‌ی دیواری دبیرستان را بیرون می‌داد که نقاشی

های آن را شادروان مهدی تابعین می‌کشید. جدا از آن، به شیوه‌ی خودآموز به نقاشی رنگ و روغن می‌پرداخت و از همه بیشتر، چه بسا که به جای رفتن به مدرسه، در میان کوچه باع‌های سراب کرمانشاه و روی تپه‌های پشت آن به تمرین آواز می‌پرداخت. به سبب نبودن امکان، همه‌ی این تلاش‌های هنری به شیوه‌ی خودآموز انجام می‌گرفت و تنها مدت کمی توانست به شیوه‌ی روشمند نزد آقای ایزدی به آموزش سنتور پردازد که پس از رفتن به تهران و درسخنی کار

و تحصیل شبانه، همه‌ی این گونه کارهای ادبی و هنری کنار گذاشته شدند. تا اینکه یک روز در یکی از خیابان‌های تهران با پرویز قدوسی برخورد کرد که سبب شد تا زندگی در تهران برای او دگرگون گردد. پرویز که مانند او در دیبرستان کورش کبیر درس می‌خواند با خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرده بود. پرویز را با موهای سرخش خیلی‌ها در کرمانشاه می‌شناختند. در غروب‌های کرمانشاه آن زمان که از هر گوشه از شهر، صدای آواز کسی می‌آمد، پرویز نیز در میان خوانندگانی بود که همراه دوستانش در میان کوچه‌ها و یا سالن‌های شهر می‌خواند. پرویز گویی با هنر زاده شده بود؛ او نه تنها نوازنده‌ی تار بود، بلکه از توان ویژه‌ای در نقاشی برخوردار بود. در تهران تابلوهای او در تبلو فروشی‌های بزرگ به فروش می‌رسید. با این برخورد، دوباره هنر و ادبیات به زندگی فریبیز باز گشت. هردوی آنها که خود را در تهران تنها احساس می‌کردند، همه‌ی وقت آزاد خود را با هم و در هوای هنری و ادبی سپری می‌کردند.



### طرحی با خودکار از فریبرز، به دست پرویز قدوسی در یک چایخانه‌ی سنتی در تهران

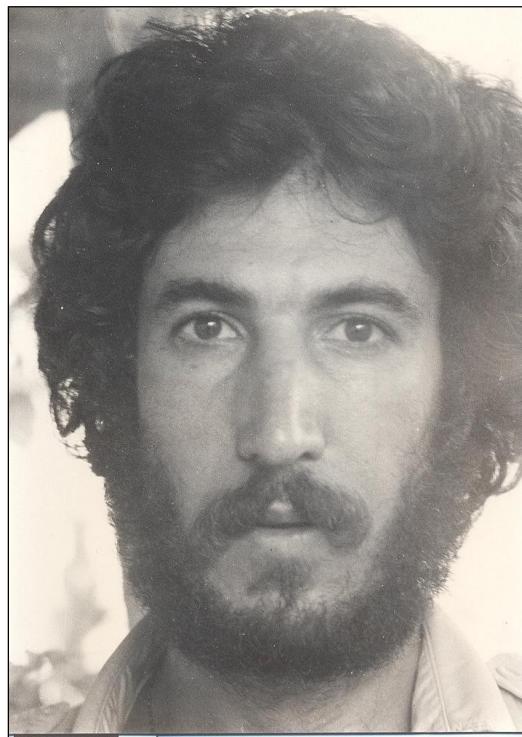
در این سال‌ها سینمای نوین ایران نیز در اوج شکوفایی بود و تماشای ساخته‌های کسانی مانند داریوش مهرجویی و پرویز کیمیاوی و یا مسعود کیمیاوی را نیز هیچگاه از دست نمی‌دادند. پرویز نیز سربازی خود را در بخش دیگری در همان باشاه انجام داد و هر دو با هم در شرکت جنرال موتورز ایران به کار پرداختند. ولی فریبرز که از راه کتاب‌های نویسنده‌ی بزرگ ایران صادق هدایت، به فرهنگ هند گرایش پیدا کرده بود، به آنچا رفت و پرویز نیز پس از چند سال با زنش به آمریکا مهاجرت کرد.



در هند او نتوانست برای سازمان فیلم<sup>۱</sup> پذیرش بگیرد؛ شاید به این دلیل که تا آن زمان هیچ خارجی چنین درخواستی نکرده بود. ولی چند سال پس از آن، چند ایرانی نتوانستند پذیرش بگیرند که در میان آنها یک کرماشاهی از خاندان لاهوتی‌ها دوره‌ی آن را به پایان رساند.

---

<sup>۱</sup> Poona Film Institute of India.



نگام تحصیل در هند

ولی فریبرز به راهنمایی برخی از دانشجویان ایرانی، در سال 1975 میلادی تحصیل داشتگاهی خود را در یکی از سه دانشگاه درجه یک هند، یعنی دانشگاه پونا که آکسفورد شرق نام گرفته، در کالج وادیا در رشته‌ی اقتصاد آغاز کرد و در سال 1978 میلادی به دریافت درجه لیسانس در این رشته نایل شد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> Bachelor of Arts” (B.A.) in “Economics” from University of Poona Bachelor of Arts” (B.A.) in “Economics” from University of Poona.



نگام تحصیل در هند

او نخستین دانشجویی بود که از کرمانشاه و استان‌های همچویار به پونا رفته بود و از این رو تا زمانی که در آنجا بود، دانشجویانی که از این بخش از کشور می‌آمدند، یک راست به نزد او می‌رفتند و او نیز نه تنها آنها را پهلوی خود نگاه می‌داشت، بلکه تا زمانی که برایشان پذیرش زبان و پذیرش دانشگاه را نمی‌گرفت و یا مکانی برایشان کرایه نمی‌کرد، آنها را رها نمی‌ساخت. ولی به سبب این که سیستم آموزشی دانشگاه پونا جدی بود، همه‌ی آنها گاه پس از چند سال به دانشگاه‌های دیگر می‌رفتند و او همچنان تنها کرمانشاهی بود که در آن دانشگاه تا پایان تحصیل خود به جای دیگری نرفت.



۵

### نگام تحصیل در هند

پس انجام این مرحله‌ی تحصیلی به فرانسه رفت و ماه‌هایی را، نخست در شهر استراسبورگ ماده و سپس به پاریس رفت. شهر پاریس در این زمان سیار زیر تاثیر انقلاب ایران بود. فریبز که آمده بود تا از فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل به کانادا برود، زیر تاثیر خبرهای انقلاب، برنامه‌ی خود را تغییر داده و از راه زمینی به ایران باز گشت. آنگاه بار دیگر به هند رفت و در سال ۱۹۷۹ میلادی تحصیل فوق لیسانس خود را در جامعه‌شناسی در همان دانشگاه پونا آغاز کرد و در سال ۱۹۸۱ میلادی به پایان رساند.<sup>۱</sup> پایان‌نامه‌ی دوره‌ی فوق لیسانس او در باره‌ی چگونگی گذراندن وقت آزاد در میان دانشجویان دانشگاه هند بود که با نمره‌ی عالی پذیرفته شد.<sup>۲</sup>

پس از پایان دوره‌ی فوق لیسانس، برای دوره‌ی دکترا در دانشگاه پونا نامنویسی کرد. ولی پس از مدت کوتاهی توانست ویزای کشور آلمان را بگیرد و به آن کشور رهسپار شد. با وجود این،

<sup>1</sup> Master of Arts” (M.A.) from University of Poona.

<sup>2</sup> Comparative Study of the Leisure Activities of Indian Students at Poona University”; accepted with grade: "A".

تنها پس از چند ماه بار دیگر به این نتیجه رسید که او علاقه‌ای به زندگی در اروپا را ندارد و در نتیجه بر آن شد که به هند باز گردد. ولی در این زمان برای ایرانیان همه جا دشواری فراوانی برای مسافرت ایجاد شده بود و او نیز که هنگام خارج شدن روادید بازگشت<sup>۱</sup> به هند را نگرفته بود، تلاش کرد که در کنسول هند در برلین درخواست ویزای جدید بکند. ولی با وجود همه‌ی مدارکی که در باره‌ی تحصیل و زندگی در هند داشت، از دادن ویزای تحصیلی به او خودداری می‌شد. برای همین تلاش کرد تا از امکانات کتابخانه‌ای آلمان برای نوشتن پایان‌نامه‌ی خود بهره گیرد. به رو همه‌ی دشواری‌های زندگی در آلمان و التهاب ناگواری که ناآگاهی از خانواده و دوستان برایش به وجود آورده بود، بیشتر توان او را تماس و آگاهی از بستگان که در کرمانشاه جنگ زده زندگی می‌کردند از او می‌گرفت. با وجود این، در پایان توانست پژوهش خود را انجام داده و برای تقدیم آن به دانشگاه پونا روادید تازه‌ای بگیرد.

هنگام تحويل پایان‌نامه، استاد راهنمای او به نام پروفسور بویته<sup>۲</sup> چنان از بالا بودن سطح پژوهش شکفت‌زده و شادمان بود که تصمیم گرفت که آن را برای تایید به دانشگاه‌های درجه یک هند، یعنی دانشگاه جواهر لعل نهرو و دانشگاه دهلی ارسال کند. دانشکده‌های جامعه‌شناسی در این دو دانشگاه در دست دو تن از نام‌آورترین جامعه‌شناسان هند، یعنی پروفسور کی. ال. شrama، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم اجتماعی، دانشگاه جواهر لعل نهرو (دهلی)<sup>۳</sup> و پروفسور بی. اس. باویسکار، رئیس دانشکده‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه دهلی<sup>۴</sup> بود. پروفسور بویته این تصمیم را یکی از این نظر گرفته بود که چایگاه او را در دانشگاه بالا می‌برد و از سوی دیگر کسی نمی‌توانست در درستی پایان‌نامه تردید کند؛ چرا که استادان با سواد می‌توانند گزروی و آمارسازی و یا نسخه‌برداری در پایان‌نامه‌ها را کشف کنند. از سوی دیگر در آن زمان استادان نامدار را نمی‌شد تطمیع کرد. برای همین است که ارزش یک رساله‌ی دکترا بستگی به این دارد که از سوی

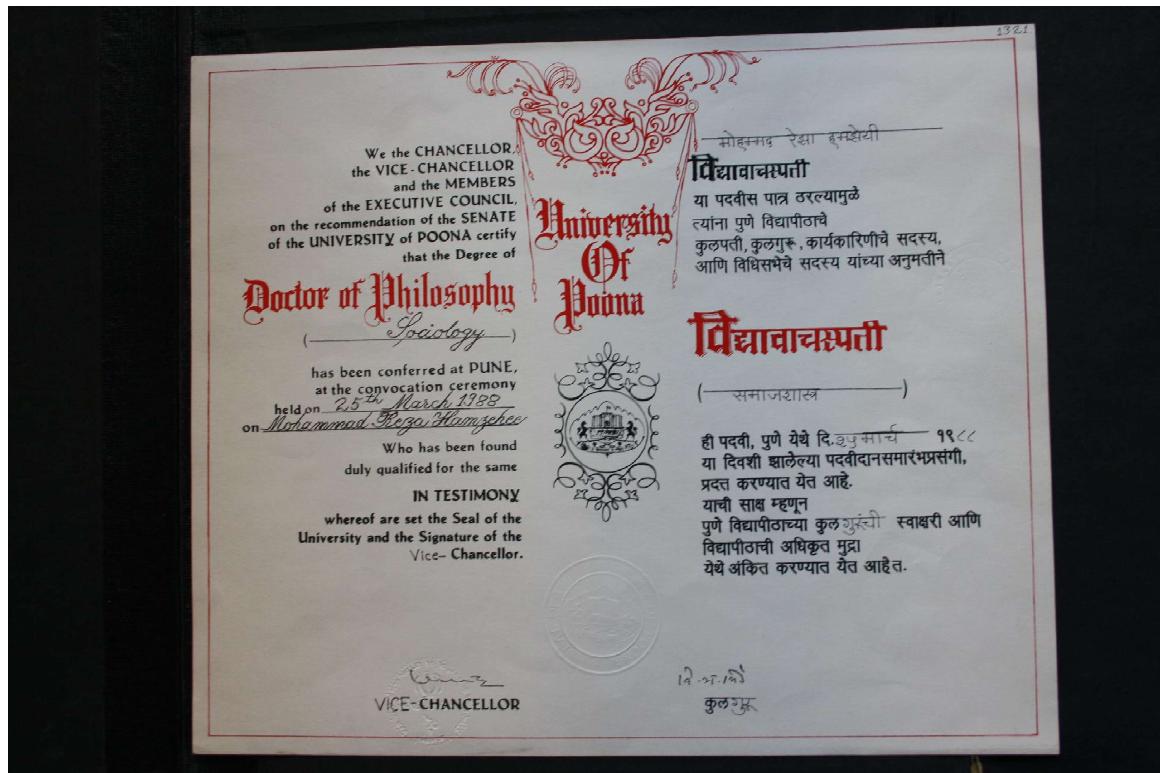
<sup>1</sup> Return Visa.

<sup>2</sup> Prof. Dr. U. B. Bhoite, Department of Sociology, University of Poona.

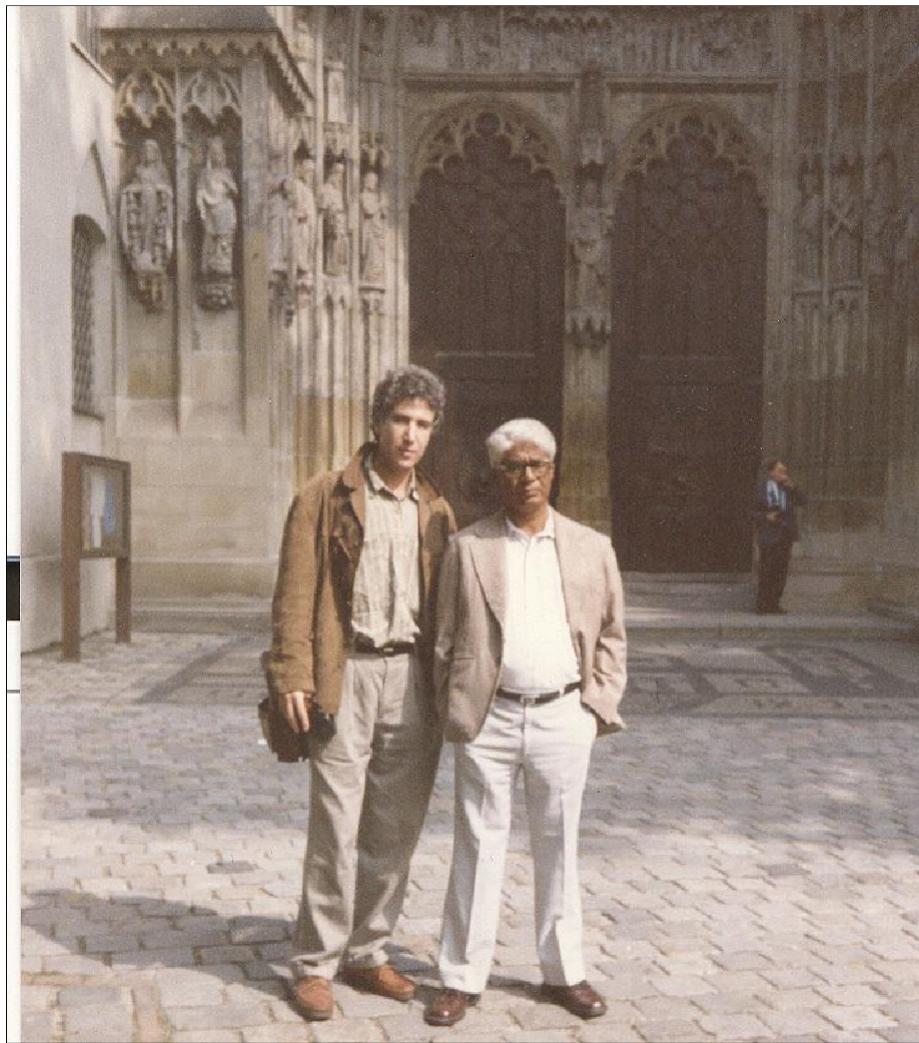
<sup>3</sup> Prof. K. L. Sharma, Chairman of the Centre of the Study of Social Science of prestigious Jawaharlal-Nehru-University, (Delhi).

<sup>4</sup> Prof. B. S. Baviskar, Head of the Department of Sociology (University of Delhi).

کدام دانشگاه و کدام استادان تایید گردیده است. می‌توان گفت که رساله‌ی دکترا معرف درجه‌ی دکترا است و نه مدرکی که صادر شده است. از این رو در جهان دانشگاهی، این خود رساله‌ی دانشگاهی است که مورد بررسی قرار گیرد. استادان نامدار نیز حاضر نیستند برای بررسی هر رساله‌ای وقت بگذارند، ولی این پایان‌نامه را هر دو استاد نامبرده پذیرفتند و بهترین گزارش تاییدیه را بر آن نوشتند. یکی از این استادان در گزارش تاییدیه‌ی خود نوشت که او در شگفت مانده که چگونه مولف در میان آن‌همه کتابی که استفاده کرده است، گم نشده و انسجام کار از میان نرفته است.



درجه‌ی دکترا از دانشگاه پونا



با پروفسور بویته استاد جامعه شناسی دانشگاه پونا

پس از انجام دفاع از پایان‌نامه فریبیرز نتوانست در آن زمان حساس بیشتر از آن از خانواده و دوستاش دور بماند و از این رو از راه زمینی، پس تجربه‌ی رخدادهای شگفت در پاکستان، خود

را به کشور رسانده و به کرمانشاه رفت. او نیز مانند دیگر مردم کرمانشاه به تجربه‌ی بمباران‌های زمینی و هوایی پرداخت و حتی یک بار تنها چند دقیقه پیش از رسیدن به نقطه‌ای در شهر، بمباران‌ها فرود آمدند و دست روزگار او را نجات داد.

بررسی و تایید پایان‌نامه دکترا از سوی جامعه‌شناسان بنام هند، اگر چه سرفرازی داشت، ولی بیش از اندازه زمان برداشت. ماه‌ها که در کرمانشاه سپری شد، امکان دریافت خبر از نتیجه‌ی بررسی‌ها نیز نبود. در این زمان دسترسی به سفارتخانه و گرفتن ویزا هم بسیار دشوار بود. ولی او مدتی به یک آلمانی که قرار بود مدیر بانک بایریش شود درس فارسی داده بود که در همین زمان در تهران کار می‌کرد. به یاری این مرد، او بار دیگر ویزا آلمان را گرفت و از تهران به سوی فرانکفورت پرواز کرد.

این بار زندگی در آلمان با گذشته همسان نبود و شاید هم بهترین مکانی بود که او می‌توانست کارهای پژوهشی خود را همچنان پی‌بگیرد. از همه مهمتر این که در آن زمان در آلمان تحصیل داشتگاهی برای همه مجانی بود و داده‌ها برای زندگی دانشجویی به نسبت هند بسیار بهتر بود. البته تحصیل در هند نیز مجازی بود، در حالیکه در کشورهایی مانند آمریکا تحصیل تنها برای ثرومندان میسر می‌شد. ولی در هند کار نبود و او شاید در میان شمار کمی از ایرانیان داشجو شمرده می‌شد که مدتی به عنوان مترجم برای یک شرکت هندی کار کرده بود. تحصیل زبان انگلیسی در زمان سربازی و کار در شرکت جنرال موتورز ایران سبب شده بود که او زبان انگلیسی را چنان خوب ییاموزد که از همان آغاز ورود به هند، نامش بر سر زبان بیفتد و یک شرکت هندی هم که این را شنیده بود، برای مدتی از او برای ترجمه‌ی کاتالوگ دعوت کرده بود. بیشتر دانشجویان ایرانی که در پونا بودند اهل خوزستان بودند و از شرکت نفت بورسیه می‌گرفتند، ولی او که از هیچ جایی کمک مالی نمی‌شد، با قناعت از اندوخته‌های خود در زمان سربازی و کار در تهران و مقدار کمی که از سوی پدرش ارسال می‌شد، زندگی می‌کرد. ولی پس از انقلاب دیگر او نتوانست از شرایطی که در گذشته دانشجویان در خارج کشور داشتند، بهره گرفته و همچنان تحصیل را پی‌بگیرد؛ ولی در آن زمان در آلمان تحصیل کاملاً مجانی بود

و همه‌ی دانشجویان نیز از بیمه‌ی مجازی برخوردار می‌شدند. از همه مهمتر این که دانشجویان حق داشتند که در تعطیل تابستانی، بدون پرداخت مالیات به کار پردازند.

با وجود داده‌های سیار مناسب برای زندگی دانشجویی در آلمان، این کشور یکی از دشوارترین سیستم‌های دانشگاهی در جهان را داشت؛ در حالیکه شیوه‌ی دانشگاهی کشورهای انگلوسکن که دارای ردیابی هستند، در این کشور وجود نداشت. تنها فرقی که میان دانشگاه‌ها وجود داشت از نظر ایالتی بود و ایالت پایر سخت‌ترین قانون‌های دانشگاهی را به کار می‌بست. بهر حال شیوه‌ی چند صد ساله‌ی دانشگاهی آلمان، همان شیوه‌ای بود که توансه بود بیشترین شمار دانشمندان طراز اول و برنده‌گان نوبت را به جهان عرضه کند. در این سیستم دانشگاهی زمان عادی برای گرفتن دکترا شش یا هفت سال بود؛ ولی این که یک دانشجوی دکترا پس از شش یا هفت سال و یا حتا پس از ده سال بدون گرفتن مدرک، تحصیل را کنار بگذارد، رخدادی عجیب نبود.

او که پیش از رفتن به هند، در کلاس‌های مجازی زبان آلمانی در شهر آوگسبورگ در استان بایر شرکت کرده بود، دیپلم زبان آلمانی را نیز در سال 1983 از این دانشگاه گرفت. از سال 1986 پژوهش‌های جدید خود را آغاز کرد و در سال 1989 از دانشکده‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه آوگسبورگ به سرپرستی پروفسور پیتر والدمن درجه‌ی دکترای دوم به او اهدا شد.<sup>۱</sup> شهرت این دانشکده در آن بود که در سی سال سرپرستی پروفسور والدمن، تنها پنج یا شش تن توانستند، دکترای خود را در جامعه‌شناسی دریافت کنند. در عوض، سیاری پس از شش تا ده سال یا از تحصیل دست کشیدند و یا پس از سال‌ها به جای دیگری رفته‌اند.

پایان‌نامه‌ی او از سوی پروفسور دکتر هانس کریستف اشمیت از دانشگاه ارلانگن-نورنبرگ<sup>۲</sup> و پروفسور دکتر برت فراگتر از دانشگاه بامبرگ<sup>۳</sup> ارزشیابی و تایید شد و با درجه‌ی عالی<sup>۱</sup> پذیرفته شد.

<sup>۱</sup> Prof. Dr. Peter Waldmann, (Lehrstuhl für Soziologie, Universität Augsburg)

<sup>۲</sup> Dr. Hans-Christoph Schmitt (Lehrstuhl für Altes Testament, Universität Erlangen-Nürnberg).

<sup>۳</sup> Prof. Dr. Bert Fragner (Lehrstuhl für Iranistik, Universität Bamberg).

Die Philosophischen Fakultäten der Universität Augsburg

verleihen während der Präsidentschaft des  
Ordinarius für Neuere und Neueste Geschichte  
Prof. Dr. phil. Dr. h. c. (Metz) Josef Becker

und unter den Dekanaten  
des Extraordinarius für Didaktik der Soziakunde  
Prof. Dr. phil. Johannes Hampel  
Dekan der Philosophischen Fakultät I  
und  
des Ordinarius für Didaktik des Französischen  
Prof. Dr. phil. Fritz Abel  
Dekan der Philosophischen Fakultät II

**Herrn Mohammad Reza Hamzeh'ee**

geboren am 2. Oktober 1949 in Harsin/Iran

auf Grund seiner Dissertation

„The Yaresan. A Sociological, Historical and Religio-Historical  
Study of a Kurdish Community“

(Note der Dissertation: magna cum laude)

und der mündlichen Prüfung vom 13. Juli 1989

den Grad eines

Doktors der Philosophie  
(Dr. phil.)

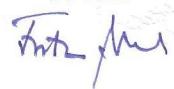
mit der Gesamtnote magna cum laude.

Augsburg, den 13. Juli 1989

Der Präsident



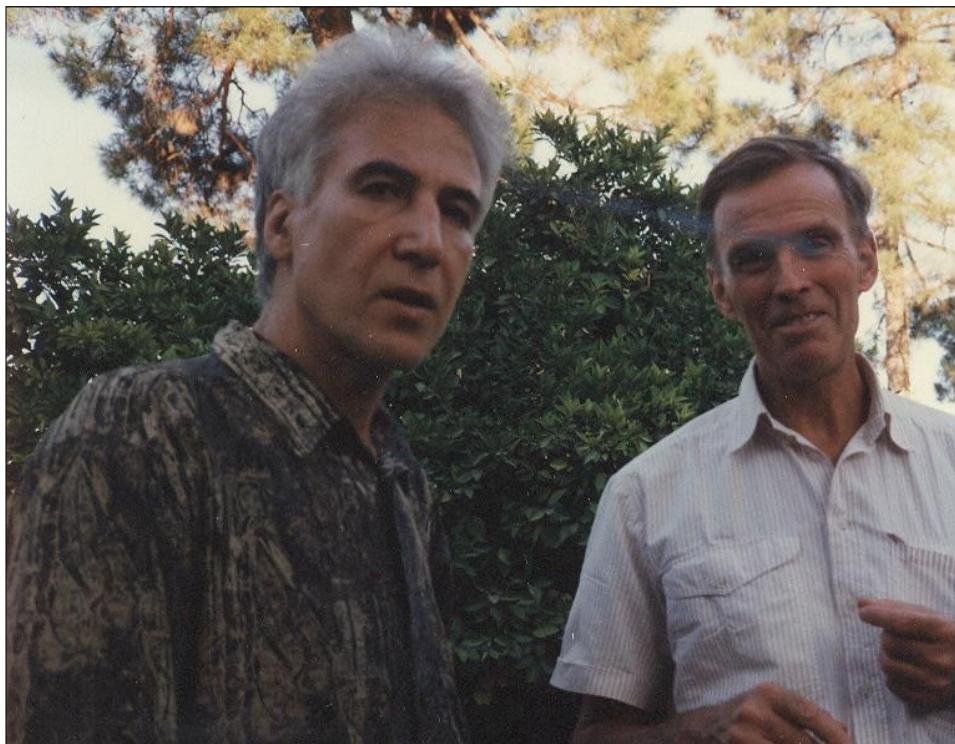
Der Dekan



درجہی دکترا از داشگاہ آوگسبورگ آلمان

---

<sup>۱</sup> **magna cum laude.**



با آقای پروفسور دکتر پیتر والدمان صاحب کرسی جامعه‌شناسی دانشگاه آوگسبورگ

پس از دریافت درجه‌ی دکترای دوم از دانشگاه آوگسبورگ در استان بایر، به دانشگاه کاسل در شمال آلمان رفت تا در یک دوره‌ی شبانه روزی فشرده برای فوق دکترا، در رشته‌ی توسعه‌ی بین‌الملل<sup>۱</sup> شرکت کند. در این دوره افرادی از همه‌ی جهان، از آمریکای جنوبی تا چین و کره‌ی جنوبی شرکت داشتند و جدیدترین شیوه‌های آموزشی جهان به کار گرفته می‌شد؛ به ویژه این که در این دوره، گفتمان توسعه‌ی بین‌الملل از دیدگاه جهان‌بینی نوین توسعه‌ی پایدار آموزش داده می‌شد؛ که بویژه در آن زمان در آغاز راه بود. افزون بر این، او موضوع پژوهش خود را "سنگش پتانسیل‌های توسعه در سه کشور در حال توسعه‌ی آن زمان، یعنی آرژانتین،

---

<sup>۱</sup> "Higher Education and International Development" at the University of Kassel.

ایران و کره‌جنوبی" انتخاب کرد و کوشید تا در این راستا، از وجود همدوره‌ای‌های کره‌ای و آرژانتینی بهره ببرد و برای پژوهش میدانی نیز به ایران آمد.



با چند نفر از دانشجویان بین‌المللی دوره‌ی فوق دکترای توسعه در خوابگاه دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه کامل در ویشن هاوزن



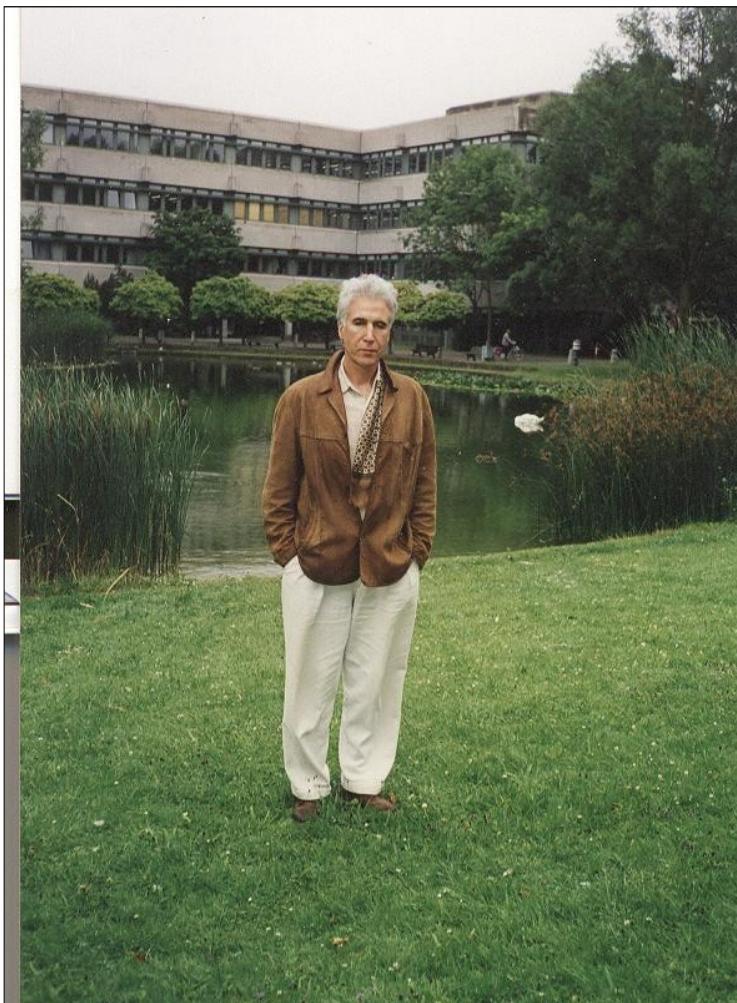
دانشجویان بین‌المللی دوره‌ی فوق دکترا، دانشگاه کاول. همزه‌ای نفر دوم ایستاده



مدرس فوچ دکترا در رشته توسعه بین‌الملل از دانشگاه کاسل آلمان

پس از انتشار چند پژوهش علمی در اروپا، در سفرهایش به ایران نخستین اثر ادبی خود را به نام: "از کوچه‌های خاکی سرتیه تا خاک" در سال ۱۳۷۰ در تهران منتشر کرد. او از دوران کودکی به نوشتن شعر و داستان و تمرین نقاشی و موسیقی می‌پرداخت؛ ولی جدا از چند تن دوستان نزدیکش مانند ابراهیم سعدالهی و مرتضی نجفی، کسی از کارهایش آگاهی نداشت. ولی با تجربه‌ها و دگرگونی‌هایی که در او ایجاد گشت، بر آن شد تا از لاک تنهایی خود بیرون آمده و سخناش را به زبان هنر و ادبیات با دیگران نیز در میان بگذارد. در سال ۱۳۷۳ نیز رمان خود به نام "ورچم" را، در تهران منتشر کرد و به آلمان بازگشت. ولی این رمان که از کارهای مهم او شمرده می‌شد، به سبب ورشکست شدن ناشر و نبودن او در ایران، سال‌های سال در یک زیر زمین انبار شد و هیچگاه به درستی به دست کتابفروشی‌ها نرسید.

پس از بازگشت به آلمان، از سال ۱۹۹۰ در حین تدریس و پژوهش در دانشکده‌های جامعه‌شناسی، ایران‌شناسی و هندشناسی در دانشگاه‌های آوگسبورگ و بامبرگ، پژوهش‌های جدیدی را در باره‌ی هویت گروهی و اقتصاد آغاز کرد. مورد پژوهشی این کار، کولی‌ها در کشورهای گوناگون بودند. پژوهش میدانی در میان کولی‌ها بسیار دشوار است و او برای انجام آن، جدا از بررسی کولی‌های اروپایی، چندین سفر به هند و ایران کرد و گاه ماه‌ها تلاش او برای وارد شدن به زندگی ایشان بی‌نتیجه می‌ماند.



روبروی ساختمان مرکزی دانشگاه آوگسбурگ هنگامی که در این دانشگاه تدریس می‌کرد

این پژوهش که نه سال به درازا کشید، در پایان به یک گمانه یا نظریه درباره‌ی ارتباط اقتصاد و هویت گروهی<sup>۱</sup> انجامید.

---

<sup>1</sup> Ethnicity.

شرایط پذیرش برای دوره‌ی هایلیتاسیون در آلمان به قرار زیر است:

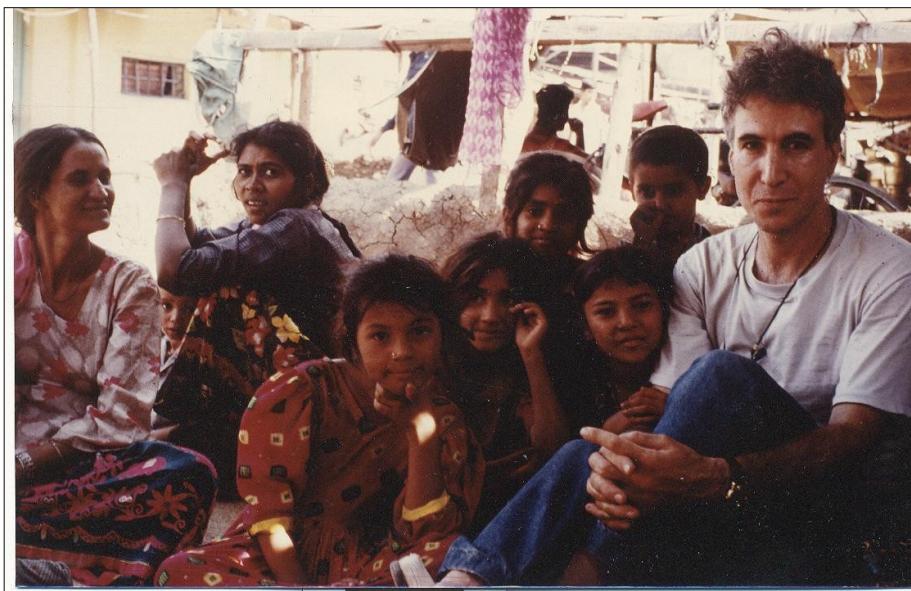
۱- داشتن درجه‌ی دکترا با نمره‌ی عالی

۲- داشتن سابقه‌ی تدریس در دانشگاه به اندازه‌ی کافی

۳- داشتن انتشارات علمی به اندازه‌ی کافی

۴- داشتن صلاحیت اخلاقی و اجتماعی

پس از پذیرفته شدن در این دوره، باید پژوهشی که را که بالاتر از سطح دکترا باشد انجام داد و این پژوهش باید طرح گمانه یا دانشی جدید را در بر داشته باشد. گمانه‌ی فریبیرز نشان می‌داد که یکی از عامل‌های تعیین کننده‌ی هویت گروهی در شرایط ویژه‌ای، می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی یا معیشتی یک گروه از مردم (در اینجا لولی‌ها) باشد.



زیر چادر کولیان در هند

پژوهش بالا با عنوان فعالیت‌های اقتصادی و هویت گروهی<sup>۱</sup> برای دوره‌ی هایلیتاسیون به دانشگاه اوزنابروک آلمان تقدیم شد. هایلیتاسیون بالاترین درجه‌ی علمی است که کسی در جهان می‌تواند کسب کند.<sup>۲</sup> جدا از کشورهای انگلوساکسن مانند انگلستان و آمریکا، در همه‌ی کشورهای اروپایی این دوره وجود دارد. در ایران نیز که در آغاز سیستم دانشگاهی آمریکایی را اقتباس کرده‌اند، درجه‌ای بالاتر از دکترا وجود ندارد؛ در حالیکه به تازگی برخی کسانی را که به مرتبه‌ی استادی رسیده‌اند پروفسور می‌خوانند، عنوانی که در کشورهای انگلوساکسن به همه‌ی کسانی که در دانشگاه تدریس می‌کنند می‌دهند؛ چه استادیار باشند و چه استاد. هایلیتاسیون مانند دکترا، یک درجه یا degree است و نه رتبه‌ی ارتقا‌یابی اداری.

پایان‌نامه‌ی نامبرده که به دانشگاه اوزنابروک تقدیم شد از سوی استادان زیر ارزشیابی و در نتیجه از سوی چهار دانشگاه آلمان، یعنی دانشگاه‌های اوزنابروک، برلین، واين گارتن و لاپزیک تایید می‌گردد:

- پروفسور دکتر کارستن کلینگمن، دانشگاه اوزنابروک

- پروفسور دکتر گیورگ الورت، دانشگاه برلین

- پروفسور دکتر دکتر یوآخیم هومن، دانشگاه واين گارتن

- پروفسور دکتر برنارد اشتراک، دانشگاه لاپزیک<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> „Ökonomische Tätigkeit und Ethnizität: eine vergleichende interdisziplinäre Untersuchung zur Geschichte und Identitätsstruktur der Zigeunergruppen im Nahen Osten“.

<sup>۲</sup> در اینترنت در بخش تعریف هایلیتاسیون با این جمله آغاز گشته است:

“Habilitation is the highest academic qualification a scholar can achieve by his or her own pursuit in many countries of Europe.”

<sup>۳</sup> Prof. Dr. Carsten Klingemann, Universität Osnabrück;

Prof. Dr. Georg Elwert, Freie Universität Berlin;

Prof. Dr. Dr. Joachim Hohmann, Pädagogische Hochschule Weingarten;

Prof. Dr. Bernhard Streck, Universität Leipzig.

به تاریخ 11 دسامبر 1989 در حضور همه‌ی استادان دانشگاه اوزنابروک، آیین تعیین کرسی دانشگاهی یا ونیا لگند<sup>۱</sup> به او تشکیل می‌شود که پس از انجام سخنرانی و پرسش استادان به او مجوز کرسی دانشگاهی در رشته‌ی جامعه‌شناسی فرهنگ<sup>۲</sup> داده می‌شود و طبق نامه‌ای به تاریخ 12 ژانویه 1999 به او ابلاغ می‌گردد.

---

<sup>۱</sup> „Venia legendi“.

<sup>۲</sup> „Kultursoziologie“.



درجه‌ی هایلیتاپون به تالید چهار دانشگاه اوزنابروک، برلین، و این گارتن و لاپزیک آلمان

## Habilitation

From Wikipedia, the free encyclopedia

**Habilitation** (from Latin *habilis* "fit, proper, skillful") is the highest academic qualification a scholar can achieve by his or her own pursuit in many countries in Europe, Central Asia, Egypt and the Caucasus. Earned usually after obtaining a research doctorate, such as a PhD, habilitation requires that the candidate write a professorial thesis (or habilitation thesis) based on independent scholarship, reviewed by and defended before an academic committee in a process similar to that of the doctoral dissertation. However, the level of scholarship has to be considerably higher than that required for a research doctoral (PhD) thesis in terms of quality and quantity, and must be accomplished independently, in contrast with a PhD dissertation typically directed or guided by a faculty supervisor.  
[1][2]

In the sciences, publication of numerous (frequently ten or more)<sup>[3]</sup> research articles is required during the habilitation period of about four to ten years. In the humanities, a major book publication may be a prerequisite for defense. The teaching ability of the habilitation candidate may also evaluated.

Whereas a PhD is sufficient qualification for a full university faculty position in many other countries, where in use, only the habilitation qualifies the holder to independently supervise doctoral candidates.  
[4][5]

Habilitation qualifications exist in France (*Habilitation à diriger des recherches*, "accreditation to supervise research", abbreviated HDR), Switzerland, Germany (Priv.-Doz. and/or Dr. habil.), Poland (dr hab., doktor habilitowany), Austria (formerly Univ.-Doz., now Priv.-Doz.), Egypt, Azhar (Al-Azhar), Denmark, Italy (Abilitazione scientifica nazionale, since 2012), Bulgaria, Portugal (Agregação), Romania (abilitare), the Czech Republic, Finland, Slovakia, Sweden (Docent), Hungary, Latvia (Dr. habil.), Slovenia, Armenia, Azerbaijan, Lithuania (Habil. dr.), Moldova, Kyrgyzstan, Kazakhstan, Uzbekistan, Ukraine, Belarus, and Russia (Doktor nauk). A similar concept known as Livre-docência exists in some private universities in Brazil, and in the three state universities of the state of São Paulo, where it is a pre-requisite of full professorship. In Spain it is called "acreditación"<sup>[6]</sup> and it is a requirement for access to some kinds of posts in state-owned universities. However, the Spanish "acreditación" is equivalent to the French "qualification" or to the Italian "abilitazione scientifica nazionale", which entail a similar process, and not to the habilitation in other countries, including France. Similarly, the so-called *Libera docenza* existed in Italy until 1970. The habilitation, derived from the Medieval Latin *habilitare*—"make suitable, fit"—developed in the eighteenth century.

The word *habilitation* can be used to describe the qualification or the process of earning it. It is sometimes incorrectly used to refer to the thesis written as part of that process.

صفحه‌ی نخست مقاله‌ی انتر نتی در باره‌ی درجه‌ی هایلیتاسیون و دانشگاه‌های گوناگونی که آن را اجرا می‌کنند. در همان آغاز مقاله آمده است که هایلیتاسیون بالاترین درجه‌ی علمی است که کسی می‌تواند در اروپا کسب کند

 <p>UNIVERSITÄT OSNABRÜCK</p> <p>Fachbereich Sozialwissenschaften</p> <p>Universität Osnabrück · FB 1 · D-49069 Osnabrück</p>			
Herrn Dr. Reza Hamzeh'ee Elisabethstraße 36b  86167 Augsburg	DER DEKAN	Telefon (05 41) 9 69-0 Telefax (05 41) 9 69-46 00	
Ihr Zeichen, Ihre Nachricht vom sz/pa	Mein Zeichen sz/pa	Durchwahl (0541) 969- 4611 4612	Datum 12. Januar 1999
<b>Habilitation</b>			
Sehr geehrter Herr Hamzeh'ee, die Habilitationskommission des Fachbereichs Sozialwissenschaften hat Ihren wissenschaftlichen Vortrag „Soziale Anomie und Diktatur am Beispiel der Schah-Ära im Iran“ als Habilitationsleistung in ihrer Sitzung am 11.12.1998 angenommen. Die venia legendi wird erteilt für <i>Soziologie mit dem Schwerpunkt Kulturosoziologie</i> . Damit sind die materiellen Voraussetzungen für die Habilitation erfüllt. Als Termin für den öffentlichen Vortrag lege ich fest:  <b>Freitag, 12. Februar 1999, 14.30 Uhr</b> (Zimeliensaal der Universitätsbibliothek, Alte Münze 14–16).			
Thema: „ <i>Definition religiöser Richtungen durch typologische Begriffsbildungen in der Religionssoziologie</i> “			
Mit freundlichen Grüßen			
 Prof. Dr. György Szell			

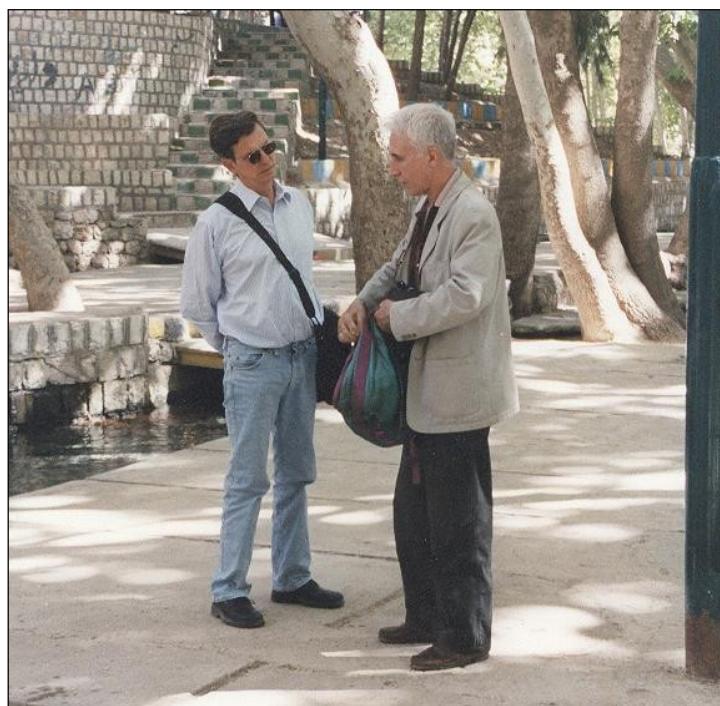
مجوز کرسي دانشگاهی در رشته‌ي جامعه‌شناسی فرهنگی صادر شده از سوي دانشگاه اوزنابروک آلمان.

پس از دریافت ابلاغ کرسی دانشگاهی، در همان سال به ایران باز می‌گردد و کار در گروه ترویج و توسعه‌ی روتایی دانشگاه رازی را آغاز می‌نماید. از آن زمان تا کنون، افزون بر آموزش دانشگاهی و پژوهش‌های گوناگون فرهنگی و توسعه‌ای، توانسته است با همکاری نزدیک آقای دکتر عبدالحمید پاپزن به سازمان‌دهی همایش‌های مهمی با شرکت استادان داخلی و خارجی دست بزند؛ که در میان آنها، همایش کرمانشاه گهواره‌ی تمدن که در سال ۱۳۸۴ از سوی اداره‌ی فرهنگ و ارشاد کرمانشاه سازمان داده شد، توانست نقطه‌ی عطفی در تحول فرهنگی گردد. در نخستین همایشی که او مدت کوتاهی پس از استخدام در دانشگاه کشاورزی در باره‌ی توسعه‌ی پایدار سازمان داد، آقای پروفسور مرت را از دانشگاه اوزنابروک آلمان برای سخنرانی دعوت کرد. به دنبال آن نیز به سبب درجه‌ی پروفسوری که او از دانشگاه اوزنابروک گرفته بود، توانست با هزینه‌ی شخصی قراردادی برای مبالغه علمی میان دانشگاه رازی و آن دانشگاه آلمانی را به سامان برساند.



با آقای پروفسور محسن مرت استاد پیشین توسعه و سیاست در دانشگاه اوزنابروک

به یاری آقای دکتر پاپزن دو همایش دیگر را در پیوند با توسعه و داشش بومی و فرهنگ شفاهی را سازمان داد که با استقبال بسیار فرهیختگان کرمانشاه روپرتو شدند. در هر دوی این همایش‌ها که با شرکت هنرمندانی مانند استاد علی اکبر مرادی انجام گرفت، آقای پروفسور فیلیپ کرین بروک نیز سخنرانی داشتند و از پیش کسوات استان نیز تجلیل گردید.



با آقای پروفسور فیلیپ کرین بروک رئیس دانشکده‌ی ایران‌شناسی دانشگاه گوتینگن

پژوهش‌های گوناگون او نه تنها به عنوان کتاب دانشگاهی از سوی دانشگاه‌های اروپایی به کار گرفته شده، بلکه در دانشگاه اوپسالا در سوند بیشتر از 20 سال در چند کورس درسی استفاده گردیده است. در ایران نیز یکی از آنها کتاب سال کشور در سال ۱۳۸۴ و یکی کتاب برگزیده

استان کرمانشاه در سال 1392ش و پژوهشی به تازگی رتبه‌ی اول پژوهش فرهنگی کشور را به دست آورد.

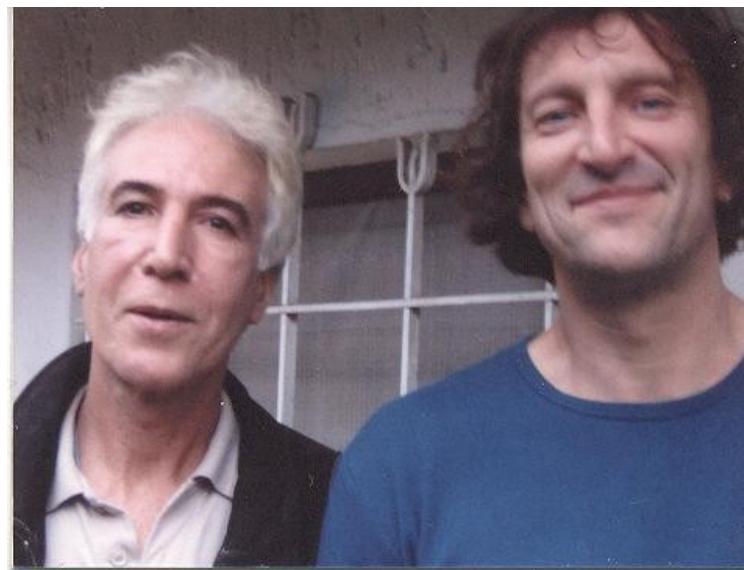
از آنجا که به کارگیری ابزارهای مدرن صوتی و تصویری، از گذشته‌های دور در میان مردم-شناسان انجام می‌گرفته، تا به امروز بهترین فیلم‌های مستند جهان از سوی ایشان ساخته شده است. توجه فریبیرز به این بخش از مردم‌شناسی، از سوی دوستش پروفسور دکتر بوآخیم هومن برانگیخته شد. این مردم‌شناس و شاعر نامدار آلمانی پیش از مرگش از او درخواست کرد تا در آرشیو فیلم سازمان‌های مردم‌شناسی مونیخ به پژوهش در این راستا پردازد.

سال‌ها پس از آن، از سوی آقای دکتر پاپزن دو دوربین ساده خریداری گشت که خود آغاز کار او در ساخت فیلم مستند گردید. به دنبال آن، به پاری دوست دیگری که از ایرانی تباران هند بود، مدتی را در یکی از محله‌های کاست دالیت در شهر پونا سپری نمود و با همان دوربین به مستندسازی زندگی روزانه‌ی آن مردم پرداخت. آنگاه پس از آموختن شیوه‌ی تدوین فیلم، در زمانی که کارهای آموزشی و پژوهشی در داشگاه اجازه می‌داد، در کرمانشاه به تدوین فیلم‌های گرفته شده در پونا پرداخت. در پایان این فیلم در داشگاه آوگسburG آلمان به نمایش در آمد و پیش از اندازه موردنمود توجه بین‌المللی قرار گرفت؛ که خود انگیزه‌ی پی‌گیری این گونه کارهای علمی هنری گردید. او تا کنون کارهای فیلم‌برداری دو فیلم مستند دیگر را به پایان رسانده و امید است بتواند به زودی به تدوین آنها نیز پردازد.

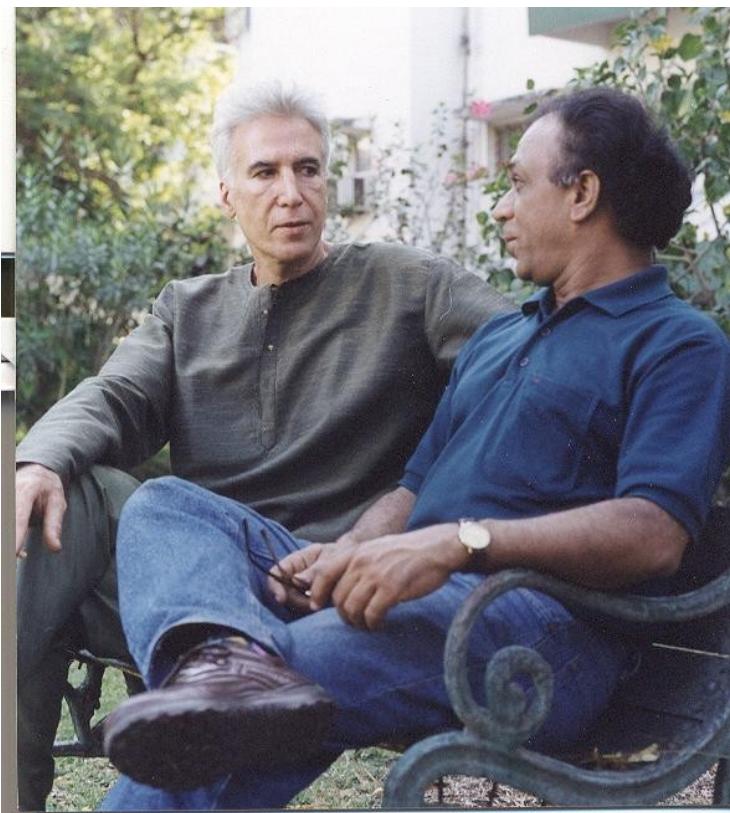
در یک مصاحبه با روزنامه‌ی تایمز هند در سال 2003 در پاسخ به این پرسش که بزرگترین دستاورد زندگی خود را کدام یک از کارهایتان می‌دانید، می‌گوید: "بزرگترین دستاورد زندگی خود را دوستانم می‌دانم که در چهار گوشه‌ی جهان یافته‌ام و ایشان را سرمایه‌ی پایان نیافتنی زندگی ام می‌دانم."<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> — Tracking Down the Roots, Pune Times of India, Wednesday, 30 April 2003, p. 4



با دوست دیرین و دوران سختی‌ها و لفگانگ لوتس



با دوست دوران کالج راجینالد



در کنار همکارانش در گروه ترویج و توسعه‌ی روسایی آفیان دکتر عبدالحمید پاپزن، دکتر حسین آگهی و دکتر کیومرث زرافشانی و آقای مومیوند از سازمان میراث فرهنگی

## آثار علمی و ادبی و هنری

### In Persian Language:

#### الف) به زبان فارسی (به ترتیب تاریخ چاپ):

- از کوچه های خاکی سرتپه تا خالک، (دفتر شعر)، تهران، 1370 خورشیدی
- ورچم (رمان مردم‌شناختی)، تهران، 1373 خورشیدی
- کاربرد فرهنگ مردمی در پژوهش‌های علمی، در ماهنامه‌ی چیستا، شماره‌ی 141-142، مهر-آبان 125-122، صص.
- همیستاد گمانه‌ای در پسروی اجتماعی ایران در پیوند با پدیده‌های تاریخی؛ در رد گمانه‌های ایستایی اقتصادی، در: فرهنگ ایلام (فصلنامه‌ی فرهنگی پژوهشی)، شماره‌ی سیزدهم و چهاردهم، بهار و تابستان 1382 خورشیدی، صص. 8-39
- همیستیزی و ایستایی کهن، در: موانع فرهنگی توسعه؛ با نگاه ویژه به ایلام (مجموعه مقالات)، از انتشارات اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی ایلام، تهران، 1383 خورشیدی، صص. 465-534
- کرمانشاه و گفتمان گهواره‌ی تمدن‌های جهانی در میدان فرهنگ سازی عملی یک دوره مقاله‌های مردم شناختی و جامعه شناختی در 15 بخش در روزنامه‌ی محلی "باختر" همراه با عنوان‌های جنبی از شماره‌ی 912، سه شنبه 20 مرداد ماه 1383 تا شماره‌ی 923، شنبه 4 مهرماه 1383
- جایگاه کرمانشان در میان تمدن‌های آسیای باختری، در: ماهنامه‌ی "سیروان"، شماره‌ی 35، شنبه 12-14 خرداد 1384، صص.

- خاستگاه خیزش: سرآغازی بر جامعه‌شناسی توسعه و جنبش‌های اجتماعی ایران، از انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۴ خورشیدی. (کاندید کتاب سال کشور، نک: روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ۳۵۶۴، ۱۳۸۵/۱۱/۱۶، ص. ۲۴ صفحه‌ی آخر؛ روزنامه‌ی همشهری آنلاین <http://hamshahrionline/New/?id=15540>

- کارکرد فرهنگ مردمی در پژوهش‌های علمی با نگاهی به باخترا ایران، در: فرهنگ کرمانشاه، تابستان و پاییز ۱۳۸۴ خورشیدی، صص. ۲۴-۱۱

- همراه با دکتر عبدالحمید پاپ زن، سرآغازی بر پژوهش‌های دانش بومی و فرهنگ شفاهی غرب ایران، دستاوردهای سازمان دانش بومی و فرهنگ شفاهی غرب ایران: شماره‌ی نخست، از انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۵ خورشیدی

- جامعه‌شناسی هویت گروهی و قومی در ایران- نمونه: گویشوران لکی، از انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۵ خورشیدی

- بررسی جامعه‌شناختی فرهنگ خواراک در ایران: در دورنمای توسعه‌ی پایدار، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۸

بررسی و بازنویسی متن کهن گورانی در باره‌ی: خونخواهی سیدالشهدا، طرح پژوهشی، کتابخانه‌ی دانشگاه رازی کرمانشاه، اسفند ۱۳۸۸

فرهنگ خواراک و هنر آشپزی مردم ایران: جلد نخست: فرهنگ خواراک کرد، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۹

فرهنگ خواراک و هنر آشپزی مردم ایران: جلد دوم: هنر آشپزی کرد، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۹

هرمراه با عبدالحمید پاپزن و محمد امین شریفی، تعیین تفاوت‌های جنسیتی در گرایش جوانان به گروه‌های مرجع (مطالعه‌ی موردي: شهر سنندج)، در: زن در توسعه و سیاست (فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تهران)، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صص. ۹۷-۱۱۹

هرمراه با مهندس محمدمهدی فاضل بیگی، از توسعه‌نیافتنگی تا توسعه‌ی پایدار: گمانه‌های جهانی توسعه و توسعه‌نیافتنگی، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۹

هرمراه با مهندس محمدمهدی فاضل بیگی، از توسعه‌نیافتنگی تا توسعه‌ی پایدار: گمانه‌های جهانی توسعه‌ی پایدار، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۰

گزارشی از بازرگانی و جامعه‌ی کرمانشاه در سده‌ی نوزدهم میلادی (چاپ ۱۹۰۳ میلادی) نوشته- ی رابینو، نماینده‌ی بانک شاهی در کرمانشاه، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۱

پژوهشی میان‌رشته‌ای در باره‌ی تاریخ و فرهنگ شهر هرسین از نگاه توسعه‌ی پایدار، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۱

در جستجوی هنر باستانی بافتگی در فرش کردي (کلیایی، کرمانشاه و هرسین)، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۲

واکاوی جاستگاه فرهنگی و زبانی، رزنمانه: استوره‌های کهن زاگرس، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۳

رزمنامه: اسطوره‌های کهن زاگرس، به نظم گورانی-لکی، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۳

رزمنامه: اسطوره‌های کهن زاگرس، برگردان از نظم کردي به نثر فارسي، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۳

گذاري بر فرهنگ و ادبیات شفاهی کردان جاف، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۴

خُرد مردمی در زبان کُردی، مهله‌تی کوردی کرماشانی (همراه با بررسی و واکاوی فرهنگی)، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۴۰۲

کتاب سرمایه‌داری، گستاخانه و جان جهان، سخنی در جامعه شناسی فرهنگی استعمار و کاپوس توسعه در خاورزمین، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۴۰۲

سری دفتر شعر از میهن آغازین تا تن پسین:

از با میهن تن آغازین؛ نخستین سرودها و عکاسی، کرمانشاه، ۱۴۰۱

از با میهن بر دوش شعر داستانک و عکاسی، کرمانشاه، ۱۴۰۱

از با میهن روان، هند پزگوار؛ سرودها و عکاسی، کرمانشاه، ۱۴۰۱

فریپرز همزه‌ای، از با میهن دل؛ سرودهایی به زبان‌های: فارسی، کردی، آلمانی و انگلیسی، نقاشی از لیزا ورمان، کرمانشاه، ۱۴۰۱

فریپرز همزه‌ای، از با میهن تن پسین؛ شعر و عکس از فریپرز همزه‌ای و نقاشی از پتراء هاگر، ایزاپل هند و پرویز قدوسی، کرمانشاه،

## ب) به زبان انگلیسی (به ترتیب تاریخ چاپ):

### b) In English Language:

- The Yaresan: a Sociological, Historical and Religio-Historical Study of a Kurdish Community, Berlin: Klaus Schwarz (Journal: Islamkundliche Untersuchungen Bd. 63), 1990

Reviews: Philip G. Kreyenbroek, in: Bulletin of the School of Oriental and African Studies, Vol. LV Part 3, 1992, pp. 565-566 & Joyce Blau, in: Bulletin Critique des Annales Islamologiques, 9, 1992, pp. 193-195 & Ferenc Szatmári, in: Acta, Hungaria, XLVII. 1994, pp. 218-220. Used in different European and American universities as course book e.g. Upsala University in Sweden and by University of Bern in Switzerland. (Kommentiertes Vorlesungsverzeichnis-Sommersemester 07-Islamwissenschaft und Neuere Orientalische Philologie). Cf. University of Uppsala (Institutionen for lingvistik och filologi): [http://www.lingfil.uu.se/afro/kurdiska/kurd\\_rb\\_kurslitt.html](http://www.lingfil.uu.se/afro/kurdiska/kurd_rb_kurslitt.html)

University of Bern (Kurse Philosophisch-historische Fakultät):

<http://philhistsv.unibe.ch-cgi-hin/evkvv/>

- **Land of Revolution: a Historical and Typological Study of Iranian Social Movement**, Göttingen: Edition: Re, 1991
- **Structural and Organizational Analogies between Mazdaism and Sufism and Kurdish Religions**, in: Ph. Gignoux (ed.), **Recurrent Patterns in Iranian Religions from Mazdaism to Sufism**, Association pour des l'avancement 'etudes iraniennes: *Studia Iranica*, Cahier 11, Paris, 1992.
- **Book Review: The Journal of the American Oriental Society**, Apr. 1, 1999 .**Methodological Notes on Interdisciplinary Research on Near Eastern Religious Minorities**, in: K. Kehl Bodrogi, B. Kellner-Heinkele and A. Otter-Beaugean (ed.), **Syncretistic Religious Communities in the Near East**, Leiden, New York, Köln: Brill & Brill, 1997.
- **The “Kauli” of Kurdistan: a Note on a Peripatetic Group**, in: **Kurdnâsi: Journal of Kurdish Studies**, (New York) 1998.
- **Art. “Initiation Rituals among the Ahl-e Haqq or Yaresan”**, in: **Encyclopaedia Iranica**
- **Art. “The Jaf Tribes”**, in: **Encyclopedia Iranica**
- **Art. “Irbagi Jaf”**, in: **Encyclopedia Iranica**
- **Art. “The Jam Rituals among the Ahl-e Haqq or Yaresan”**, in: **Encyclopedia Iranica**
- **Art. “The Lak” ”**, in: **Encyclopedia Iranica**

## ب) به زبان آلمانی (به ترتیب زمان چاپ):

### c) In German Language:

- Das Modell Iran- zwischen säkularinem Staat und Gottesstaat, in: Wolfgang Reinhard, Verstaatlichung der Welt? Europäische Staatsmodelle und außereuropäische Machtprozesse, München: R. Oldenbourg Verlag, 1999.
- Zigeunerleben im Orient: eine vergleichende interdisziplinäre Untersuchung zur Geschichte, Identitätstruktur und ökonomische Tätigkeit der Zigeunergruppen im Orient, Frankfurt am Main/Berlin/Bern/Bruxelles/New York/Oxford /Wien: Peter Lang, 2002
- Book Review: German Anthropology-Online.de/Aga04 /0157html
- Soziale Anomie und Diktatur: Am Beispiel von Iran der Shah-Ära, in: Peter Waldman, Diktatur, Demokratisierung und Soziale Anomie, Schriften der Philosophischen Fakultät der Universität Augsburg, Verlag Ernst Vögel, München, 2003
- Book Reviews:
  - 1. Latein Amerika Analysen (Institut für Iberoamerika-Kunde, Hamburg) 7 (2004), pp. 222-225
  - 2. Verfassung und Recht in Übersee / Law and Politics in Africa, Asia and Latin America 40/2, 2007, pp. 263-266

- Kurdische Religionen und die Authentizität ihrer oralen Tradition, in: Christine Allison, Anke Joisten-Pruschke und Antje Wendtland, From Daēnā to Dīn, Religion, Kultur und Sprache in der iranischen Welt, Wiesbaden, 2009.

### ت) به زبان ترکی

#### d) In Turkish Language:

- Yaresan (Ehl-i Hek) Bir Kürt cemaati üzerine sosyolojik tarihsel ve dini-tarihsel bir inceleme, Ingilizceden Çeviren: Ergin Öpentin, İstanbul, 2009.
- Aleviler, Yaresanler ve Yezidiler hakkında karşılaştırıcı bir din—bilimi araştırması: Dini inançlar, system ve kurumlar.

□

### ث) به زبان کردی □

#### e) In Kurdish Language: □

□

رزنامه: اسطوره‌های کهن زاگرس در دو جلد، نشرداستگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۲ □

رساله‌های منتشر نشده در کتابخانه‌ی دانشگاه‌های پونا و مرکز  
اطلاعات و اسناد علمی ایران:

**Unpublished Dissertations:**

- Leisure Activities of Indian Students: a Comparative Prospective (M.A.- Dissertation), Library of the Department of Sociology, University of Poona, 1981, Poona, 1981
- A Study of some Millenarian Social Movements in Iran (Ph.D. -Dissertation), Library of the Department of Sociology, University of Poona, 1986 Center for Scientific Information and Documentations of Iran, Ministry of Higher Education: [www.irandoc.ac.ir](http://www.irandoc.ac.ir)
- „Ökonomische Tätigkeit und Ethnizität: Eine vergleichende interdisziplinäre Untersuchung zur Geschichte und Identitätsstruktur der Zigeunergruppen im Nahen Osten“, Augsburg, 1997 (Habilitationsschrift , University of Osnabrück)

## گزارش و مصاحبه های یاب شده

### Printed Reports and Interviews

- شهرنشینی یا تفکر شهری: به کدام نیازمندیم؟، در: روزنامه‌ی "نوروز"، شماره‌ی 277، دوشنبه 20 اسفندماه 1380، ص. 10

- الگوی آینده‌ی ایران برای رهایی از وضعیت فعلی: "توسعه‌ی پایدار"، در: روزنامه‌ی "ایران"، شماره‌ی 2705، بهمن‌ماه 1382، ص. 14

- اینجا ریسمان عاطفه‌ها پاره می‌شود (کیومرث امیری کله‌جویی)، در: روزنامه‌ی باختر (کرمانشاه)، شماره‌ی 861، شنبه 13 دیماه 1382، ص. 8

کرمانشان خاستگاه تمدن های جهانی، در: مهاباد (ماهnamه ی اجتماعی، فرهنگی، ادبی)، سال هفتم، شماره ی 75، 1386، صص. 56-58

کرمانشان خاستگاه تمدن های کهن جهانی، در: از کرمانشان تا بارزان: ویژه نامه‌ی بزرگداشت گویش کلهری در ههولیر، پاییز 1386، صص. 47-53

- Where Pilgrims Dare, in: Pune Citadel, India, May 2000,  
pp. 70-73.

- Tracking Down the Roots, Pune Times of India,  
Wednesday, April 30 2003, p. 4.

## طرحهای پژوهشی

1380 تا 1381 خورشیدی- اجرای طرح پژوهشی برای وزارت آموزش و پژوهش (کرمانشاه)، با عنوان "پیشرفت راهبردهای یادگیری با خلاقیت و پیشرفت حصیلی ( مطالعه‌ی موردی: دانش آموزان سال سوم متوسطه‌ی دبیرستان‌های پسرانه‌ی شهر کرمانشاه)، با همکاری مهندس مهدی ملاقسمی و مهندس رضا ویسی

### **Gharasu River Basin Agricultural Infrastructure Development Project in Kermanshah Province in the Islamic Republic of Iran, January 2003**

1387 تا 1388 خورشیدی- اجرای طرح پژوهشی برای دانشگاه رازی با عنوان: بررسی و بازنویسی متن کهن گورانی در باره‌ی خوانخواهی سید الشهدا (کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه رازی)

1387 تا 1388 خورشیدی- اجرای طرح پژوهشی برای دانشگاه رازی با عنوان: همیستاد باستانی آبرسانی شهری و کشاورزی هرسین (استان کرمانشاه)

1388-1391 خورشیدی: طرح پژوهشی برای اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه در راستای تحلیل، تدوین و تصحیح رزم‌نامه‌ی کردی

## فعالیت‌های علمی و دانشگاهی

### Scientific and University Activities

1989 تا 1990 میلادی- همکاری علمی با دانشکده‌ی ایرانشناسی دانشگاه بامبرگ

1989 تا 1990 میلادی- همکاری علمی با دانشکده‌ی زبان‌های معاصر هند در دانشگاه بامبرگ

30 سپتامبر تا 4 اکتبر 1991- شرکت در دومین کنگره‌ی پژوهش‌های ایرانی، بامبرگ

1991 میلادی- عضویت در جامعه‌ی ایرانشناسان اروپا

1993 تا 1994 میلادی- همکاری در پژوهش‌ی پژوهشی درباره‌ی "هویت گروهی"، به سرپرستی پروفسور پیتر والدمون در دانشگاه آوگسбурگ

1994 میلادی- آغاز دوره‌ی جدید همکاری پژوهشی با دانشگاه آوگسбурگ (آغاز قرارداد از اول ژانویه 1994 میلادی)

از سال 1995- میلادی همکاری پژوهشی در پژوهش‌ی بین‌المللی درباره‌ی "تأثیر آتمیک دولت‌های اقتصادی با نمونه‌ای از دوران فرماترانی پهلوی در ایران"

14 تا 17 آپریل 1995 میلادی- شرکت در همایش: "علوی‌های ترکیه و گروه‌های دینی سنترستیک مشابه در خاورمیانه در گذشته و اکنون"، برلین. سازماندهند: دانشکده‌ی ترکشناسی دانشگاه آزاد

برلین. مقاله‌ی عرضه شده: «اعتبار فرهنگ شفاهی: گامی به سوی پژوهش در باره‌ی هویت گروهی»

18 تا 21.3. 1998 میلادی - شرکت در همایش: «گسترش شکل حکومتی اروپایی در سراسر جهان: یک موفقیت؟!؟!؟، مونیخ. مقاله‌ی عرضه شده: «تاریخ حکومت‌های سکولار و غیر سکولار در ایران»

1 تا 3.5. 1998 میلادی - شرکت در دومین همایش بین المللی در باره‌ی "تاریخ کردستان در حدود سده‌های 16 و 17 میلادی" و جشن چهارصدمین سال تالیف شرفنامه‌ی بدليسی. مقاله‌ی عرضه شده: "علویان ترکیه و گروه‌های وابسته در کردستان"

16 خرداد 1380 خورشیدی - سازماندهی و شرکت در همایش: "توسعه‌ی پایدار و عدالت اجتماعی"، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه سخنران مهمان آقای پروفسور محسن سرت از دانشگاه اوزنابروک آلمان

18.9. 2001 میلادی - سازماندهی و تکمیل عقد قرارداد همکاری علمی و آموزشی میان دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه اوزنابروک آلمان

بهمن ماه 1381 خورشیدی - شرکت در همایش "بررسی موانع فرهنگی توسعه، با نگاه ویژه به استان ایلام". مقاله‌ی عرضه شده: نظریه‌ی توسعه نیافتنگی در پیوند با پدیده‌های تاریخی، مجری: اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام

1382 تا 1383 خورشیدی - مشاور پژوهشی در شرکت ژپنی توسعه در مطالعه‌ی پژوهه‌ی پژوهشی در باره‌ی "توسعه‌ی زیربنایی کشاورزی حوزه‌ی رودخانه‌ی قره سو"

1381 تا 1383 خورشیدی - اجرای پژوهش‌های مردم‌شناسی در میدان "دانش بومی و فرهنگ شفاهی در پیوند با توسعه‌ی پایدار" با همکاری دانشجویان گروه ترویج و توسعه‌ی کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

اردیبهشت 1381 خورشیدی- (به همراه دکتر عبدالحمید پاپ زن) همکاری سازمانی و اجرایی در "نخستین همایش گیاهان دارویی در ایران باختり"-سازماندهند: دانشگاه رازی

اردیبهشت 1381 خورشیدی- شرکت در همایش "نقش اقوام ایرانی در شکل گیری تمدن ایرانی اسلامی". مقاله‌ی عرضه شده در باره‌ی: "فرهنگ شفاهی ایران باختり"- سازماندهند: دانشگاه رازی

10 تا 11 مهرماه 1382 خورشیدی- (به همراه دکتر عبدالحمید پاپ زن) سازماندهی و شرکت در "نخستین همایش دانش بومی و فرهنگ شفاهی ایران باختり"

آذرماه 1383 خورشیدی- همراه با دکتر عبدالحمید پاپ زن، بیانگذاری سازمان غیر دولتی "دانش بومی و فرهنگ شفاهی ایران باختり"، کرمانشاه

24 و 25 اکتبر 2003 میلادی- شرکت در جشن صدمین سال بیانگذاری دانشگاه‌ی ایرانشناسی دانشگاه گوتیننگ آلمان، با عنوان: "ایران، سرزمین فرهنگ: سنت ایرانی به عنوان تمدن جهانی"، مقاله‌ی عرضه شده: "بازمانده‌ی تمدن‌های ایران و میانروان در دانش بومی و فرهنگ شفاهی ایران باختり"

22 و 23 اردیبهشت ماه 1384 خورشیدی- سازماندهی و شرکت در همایش بزرگ "کرمانشاه گهواره‌ی تمدن: دیروز، امروز، فردا". عنوان مقاله: "عامل‌های آبژکتیو سازنده‌ی هویت گروهی و قومی کردن جنوب. سازماندهند: اداره‌ی کل ارشاد اسلامی کرمانشاه

31 ماه آگوست تا 4 سپتامبر 2005 شرکت در جشن‌های چهارصد و پنجاهمین سال قرارداد صلح میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در شهر آوگسبورگ و جشن‌های سالانه‌ی گفتگوی میان ادیان الهی در شهر آوگسبورگ آلمان. مقاله‌ی ارایه شده در باره‌ی: "تنوکراسی در ایران باستان"

24 جولای تا اول آگوست 2006، شرکت در دوره‌ی تابستانی "ارتباط، دیالوگ و صلح" در جشن‌های سالانه‌ی گفتگوی میان ادیان الهی در شهر آوگسبورگ آلمان. نمایش فیلم مستند

مردمشناختی از کاست دالیت در هندوستان که در تاریخ 29 جولای در دانشگاه آوگسبورگ نمایش داده شد.

اول مهر ماه تا آخر اسفند ماه 1385 خورشیدی- فرصت مطالعاتی به دعوت دانشکده‌ی ایران‌شناسی دانشگاه گوتینگن آلمان و انجام پژوهش در باره‌ی فرهنگ خوارâک و پوشش ایرانیان

14 فروردین 1387 همایش دوم داشش بومی و فرهنگ شفاهی ایران باختり. سخنران مهمان: پروفسور کریم بروئک، ریس دانشکده‌ی ایران‌شناسی دانشگاه گوتینگن آلمان

1385 تا 1386 خورشیدی-همکاری در گروه سازمان دهنگان نخستین همایش ملی توسعه‌ی پایدار روستایی از سوی گروه ترویج توسعه‌ی روستایی، دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه رازی

29 تا 30 آبان‌ماه 1387 خورشیدی-همکاری در کارگاه پژوهشی "روش شناسی مطالعات قومی" از سوی گروه پژوهشی جامعه‌شناسی جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه

6 آبان‌ماه 1388 خورشیدی- ارایه مقاله در همایش علمی پژوهشی در باره‌ی جایگاه هرسین از نظر تاریخی، اجتماعی و مذهبی

29 تا 30 اردیبهشت 1389 خورشیدی-همکاری در دومین همایش ملی سوخت، انرژی و محیط‌زیست، از سوی دانشگاه صنعتی کرمانشاه.



با بانو سیمین که در زمان کودکی با کشتی از یزد به بمبئی فرستاده شده بود